

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

پیکار پامیر – تورنتو

۲۶ دسمبر ۲۰۰۸

تجاوز قشون روس در افغانستان (مقاومت ها ، شکستها و آموزه های آن)

دهه شصت و بخصوص دهه های هفتاد و قسماً هشتاد قرن بیستم ، در واقع، سالهای عروج تبلیغات مبنی بر "همکاری های برادرانه" ، "برقراری روابط نیک" ، "زیست باهمی مسالمت آمیز" ، "حسن همجواری" و "..." و "..." میان افغانستان و شوروی آن وقت بود. هفته یا ماهی نبود، که هیئت هایی میان دو کشور مذکور مبادله نمیشدند ، قرار دارد هایی به امضاء نمیرسیدند و "پروژه" های روی دست گرفته نمیشدند و....

آنانیکه به امور سیاسی ، سطحی و خوشباورانه می اندیشیدند و یا نمیتوانستند به عمق مسایل و اهداف اصلی و اساسی کرملین پی ببرند ، در میان آن همه تبلیغات و طنین هنگامه های عمدی دل خوش میکردند و به "حسن نظر" کرملین نشینان نسبت به یک کشور همسایه رو به انکشاف مانند افغانستان باور داشتند. حتا غلط نخواهد بود هرگاه عده ای از افراد صفوف حزب دموکراتیک... را نیز در همین ردیف قرار دهیم که به "کشور شورا ها" می نازیدند ، "راه رشد غیر سر مایه داری" را می پسندیدند ، "زیست باهمی مسالمت آمیز" را دوست داشتند و به "کومک های برادرانه" و "بی شایبه" رهبری کشور شورا ها اطمینان داشتند و....

اما ، کسانی هم بودند که با عمق نظر و تفکر ژرف سیاسی پیرامون آنهمه گرم گیری ها ، تبلیغات و اقدامات ظاهر سازانه مینگریستند و از ماهیت ضد سوسیالیستی ، ضد دموکراتیک ، ضد ترقی و ترقی پروری دار و دسته رهبری آن کشور آگاهی داشتند. اما ، فریاد و نگرانی آنها در میان گرد باد تند تبلیغاتی دولت افغانستان ، رهبران و افراد "حزب دموکراتیک..." که بعداً از طریق کودتای خونین نظامی به حاکمیت رسانیده شدند، کم رنگ و بی اثر میشد.

واقعیت این بود که رهبران کرملین و دستگاه های استخبارات ملکی و نظامی آنها به منظور بلعیدن افغانستان از همان دهه شصت مصروف تمهید و تدارک خایانه بودند و این تمهیدات را در پرده ظریف همینگونه تبلیغات مطبوعاتی ، کرشمه های دیپلماتیک ، قرارداد های اسارت بار و اما فریبنده ، همکاریهای فرهنگی ، پذیرش محصلین افغانی غرض تحصیلات عالی و شعار های عوامفریبانه "همکاریهای اقتصادی" و "تخنیکی" و "..." به پیش میبردند.

دعوت های رنگین و بی وقفه روسها از محمد ظاهر شاه و مامورین عالیرتبه ملکی و عسکری رژیم وی ، گرایش ظاهر سازانه به سوی سردار محمد داوود، ترغیب افسران دست پرورده شان غرض سهمگیری فعال در عمل کودتای داوود خان علیه رژیم محمد ظاهرشاه ، آشتی دادن و یکجا ساختن دو جناح "خلق" و "پرچم" به ضد رژیم محمد داوود، حمایت بیدریغ از کودتاچیان "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" علیه رژیم محمد داوود و دخالت های عریان در رژیم کودتای ثور و امثالهم ، سلسله بهم پیوسته همان تمهیدات دراز مدتیست که عاقبت ، منجر به تجاوز آشکار نظامی آن کشور به تاریخ بیست و هفتم ماه دسمبر سال ۱۹۷۹ م بالای افغانستان گردید. یعنی تجاوز نظامی قشون روس به افغانستان ، تبلور کار و تلاش سیاسی ، تبلیغاتی ، استخباراتی ، حزبی و فرهنگی غدارانه رهبران

کرملین بود که صورت گرفت و بالاخره تشت رسوایی این منادیان دروغین صلح و سوسیا لیسیم و این "همسایه بزرگ شمالی" با پیروان بی ننگ داخلی آنها از بام افتاد.

خیزش های مسلحانه و جانبازانه آحاد ملت عزیز افغانستان در برابر تجاوز نظامی روسها ، با تمام گستردگی اش برای متجاوزین روسی غیرمترقب و بعید از تصور بود. آنها فکر میکردند با آن همه تمهید و تلاشی که در گستره چند دهه غرض اغفال مردم افغانستان و بخاطر رسیدن به اهداف نامشروع استعماری خویش انجام داده اند، هر نوع مشکل و مانع را از سر راهشان برخواهد داشت و آرزو های تجاوزی و جهانکشایانه آنها را بر آورده خواهد ساخت.

تقابل خونین و فیصله کنی که در سرزمین آزادی پرور افغانستان از سال ۱۹۷۹م تا اوایل سال ۱۹۸۹م (مدت ده سال) کامل بین ملت سلحشور ما و قشون تا بدندان مسلح متجاوزین روسی صورت گرفت ، نه تنها رهبران کرملین را متحیر، بدنام و پریشان گردانید ، بلکه تحسین خلق جهان در برابر مردم دلیر افغانستان را نیز برانگیخت. این تحسین و تحیر آنقدر بزرگ و مهم بود که حتا پاکستانی ها بگونه بیشمارانه ای ادعا کرده و میکنند که گویا این "جهاد" جنرالان (آی اس آی) مانند اختر عبدالرحمن ها ، حمید گل ها و دگروال یوسف ها و... بود که قشون روس را از پا در آورد. دلیل این ادعاء ها ، بیشر می ها و هذیان گویی های جنرالان پاکستانی در واقع، از چاکری و خود فروشی رهبران رسمی جهاد ناشی میشود، که باساس حقارت های شخصی ، اختلافات ذات البینی ، زراندوزی و قدرت طلبی های خویش همه افتخارات و جانبازی های ملتی را که صد ها هزار شهید در محراب آزادی نثار کردند، به پای خوکان رژیم پاکستانی و عربی و امریکایی ریختند و کشور ما را به ویرانه حزن انگیزی مبدل نمودند. همین دخالت ها و خیانت های ارتجاعی ، غرض آلود، کین توزانه و جاهلانه در امور مقاومت آزادیخواهانه ملی مردم افغانستان بود که بالاخره نه تنها شاهد آزادی را نصیب نشدیم ، بلکه مملکت ما میان قدرت های استعماری عصر دست بدست شد و تا هنوز که هنوز است ، اسیر و درمانده و حیران باقی ماند. ما یقین کامل داریم که سرزمین باستانی و مرد خیز افغانسان ، جایگاه همیشگی آزادگان و مقاومتگران ضد تجاوز و ضد استعماری خواهد بود و زمانی جانبازی ها و مقاومت های رهایی جویانه آنها به پیروزی میرسد، که دست ارتجاع و دسایس استعمار بر آن نرسد و عناصر سیه اندیش ، ضد ترقی ، ضد تمدن و ضد دموکراسی قادر نشوند سرنوشت مقاومت را خرینجه کنند.

مردم افغانستان یکبار دیگر ، در برابر چنین آزمون تاریخی قرار گرفته اند. نیرو های ارتجاعی ، سیاهدل ، و خون آشام "طالبان" که از سوی بیگانگان بی مروت و نواله خوران استعمار در منطقه مسلح ساخته شده اند ، در تلاش آن اند تا با شعار های "اسلامی" ، "ضد تجاوز" و "ضد صلیبیون" و... ، بر موج نا رضایتی ها و خواست های آزادیخواهانه مردم ما سوار شوند و از احساسات پاک آنان سوء استفاده نمایند. همینجاست که مردم ما ، روشنفکران و آزادیخواهان ما باید از تجارب گذشته بیاموزند و سخت محتاط باشند تا از یک سوراخ دو بارگزیده نشوند. (پایان)